

فرهنگسرای نیاوران میزبان دو نمایشگاه نقاشیخط

نمایشگاه آثار مهشید صابری پور و نمایشگاه آثار عبدالله مقدسی ۱۴ آبان در فرهنگسرای نیاوران افتتاح می‌شود. به گزارش هنر آن‌لاین، نمایشگاه انفرادی آثار نقاشیخط مهشید صابری پور با عنوان «مونس جان» ۱۴ آبان ماه در گالری ششماره ۲ به همت فرهنگسرای نیاوران برپا خواهد شد. در این نمایشگاه ۳۰ اثر نقاشیخط از این هنرمند در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. صابری پور متولد بهار ۱۳۶۸ تهران، دارای مدرک کارشناسی حقوق است و دودهم‌از عمر خود را در جهت کسب مهارت‌های متعددی در حوزه هنر گذرانده است که ششامل طراحی با سیاه‌قلم، هاپیر رئال، نقاشی با آبرنگ، اکریلیک، رنگ روغن، طراحی طلا و تایپوگرافی و همکاری با معماران داخلی است. او در زمینه زیبایی شناسی و کمپوزیسیون و هنرهای تجسمی زیر نظر استاد علی فرامرزی کسب مهارت کرده و بای بردن به علاقه راسخ خود به نقاشیخط در این حوزه گام نهاده و در این زمینه از تجارب اساتید برجسته‌ای چون استاد اسماعیل رشوند و استاد غلامحسین الطافی بهره‌مند گردیده‌است.نمایشگاه مونس جان دنیای پر هیاهوی ذهن مهشید صابری پور است که گاهی آرام است و طنان و گاهی پر از ایهام... مونس جان نگاه نقاش است به دنیای حروف، کلمات و رنگ‌ها، دنیایی که در نهایت او را به آرامش می‌رساند و این همان چیز یست که برایش تلاش می‌کند. همچنین فرهنگسرای نیاوران میزبان دومین نمایشگاه نقاشیخط عبدالله مقدسی خواهد بود. نمایشگاه آثار نقاشیخط عبدالله مقدسی ۱۴ آبان ماه در گالری شماره ۱ به همت فرهنگسرای نیاوران برپا خواهد شد. نمایشگاه با ۱۵ اثر نقاشیخط از این هنرمند، با عنوان آیه‌های مقدس و استفاده از کلام الهی، خاصه بسم الله است که در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. این آثار به لحاظ فرم و فضا و همچنین ابعاد بزرگ و در واقع کاملاً آوانگارد، شخصی و به دور از گرنه‌زن دیکتی به نمونه‌های رایج در ایران و جهان ارزیابی شده‌است.



تولویون

توقف ۱۵ سر یال، فقط «زیر خاکی ۳» مجوز تولید دارد
خانه تکانی «سریالی» جلیی در تولویون

هفت صبح گزارش داد که جلیی دستور توقف ۱۵ سریالی که در مرحله پیش تولید بوده‌اند را صادر کرده است که در میان آن‌ها سریال‌های نوروزی و رمضان‌ی نیز دیده‌می‌شود.

پیمان جلیی، رئیس جدید سازمان صداوسیما به دنبال تغییر و تحول در این سازمان است و پس از انتصاب مدیران تازه نفس حالا به دنبال ایجاد رویه تازه در فعالیت‌ها بس صداوسیما است.

در آخرین اقدامات او به دنبال ایجاد تحول در سریال‌سازی تولویون است. در همین راستا او تصمیم گرفته است که سریال‌های که قرار بود که به تازگی وارد چرخ تولید شوند را متوقف کند.

روزنامه هفته صبح در این باره نوشت: «پیمان جلیی یک‌شور برای سامان دهی به سریال‌ها تشکیل داده و ماموریت اصلی را به سیما فیلم سپرده‌است. رئیس تازه صداوسیما عزم خود را جزم کرده تا حوزه سریال‌سازی تکانی اساسی بخورد. از جمله این که واسطه‌ها از بین برود، قدرت به طور کامل دست سیما فیلم باشد و نظارت خودش بر تولید آثار بیشتر شود.» در همین رابطه خبرگزاری فارس گزارش داد که «اولین سریالی که توانسته مجوز عبور از این شورا را دریافت کند، سریال «زیر خاکی ۳» است که به منظور پخش در نوروز ۱۴۰۱ ساخته خواهد شد.» مجموعه تلویزیونی «زیر خاکی ۳» به تازگی کلید خورده و تصویربرداری آن آغاز شده‌است. در این سریال پژمان جمشیدی و ژاله صامتی به عنوان بازیگران اصلی حضور دارند.

کارگردان فیلم «گیسوم» درباره سختی‌های ساخت فیلم اول در سینمای ایران گفت: من برای دریافت مجوز کارگردانی طی ۲ سال دقیقاً ۴۰۰ بار به ارشاد مراجعه کردم تا در نهایت موافقت به اخذ آن شدم. امسال در جشنواره جهانی فیلم فجر فیلم‌های مختلفی از سینمای ایران نیز حضور داشتند که فیلم «گیسوم» به کارگردانی نوید به‌تویی به عنوان کارگردان فیلم اولی، در بخش سینمای سعادت سی و هشتمین جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد. «گیسوم» در مورد زنی ساکن فرانسه‌است که مادر خود را از دست می‌دهد. همزمان با این اتفاق مشخص می‌شود که این شخصیت بجز مادری که از دست داده، پدری دارد که همچنان زنده است و در ایران حضور دارد. او برای اینکه پدر خود را پیدا کند سفری را از فرانسه به ایران و به شمال کشور آغاز می‌کند. کارگردان فیلم سینمایی «گیسوم» که مدتی از اکران آن در سینماهای سراسر کشور می‌گذرد، معتقد است: داستان این فیلم بر اساس پیرنگ جستجو در سینما به نگارش درآمده و شباهتی به کارهای دیگر در این ژانر ندارد. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار ایلنا را با این کارگردان بخوانید:

به تفسیر می‌آید فیلم شما شباهت‌هایی به برخی از فیلم‌های این ژانر دارد. شخصیتی که به دنبال گذشته خود راهی سفر می‌شود و می‌خواهد به کشف و شهودی پیرامون گذشته خود برسد. چه

چیزی باعث شد تا به این نتیجه برسید که ساخت این فیلم می‌تواند اولین گام در شروع فیلمسازی شما در سینما باشد؟
ما یک پیرنگی در سینما داریم به نام پیرنگ جستجو و این فیلم هم زیرشاخه این سبک از فیلمسازی و فیلم‌نامه‌نویسی است. اگر بخواهیم اینگونه به سینما نگاه کنیم پس از هر فیلمی که درباره جستجو ساخته می‌شود یک شباهتی به فیلمی قبل از خودش دارد. فیلمسازی با این نوع سبک و سیاق در سینما جزو چند شاخه اصلی فیلمسازی و فیلم‌نامه‌نویسی محسوب می‌شد که در سینمای امروز جهان نیز بسیار متداول است. به نظر من این پیرنگ جستجو چیزی است که همه ما هر روز در زندگی با آن در تعامل هستیم و خیلی وقت‌ها این جستجو بابت یک تکه که ما حتی به آن فکر نمی‌کنیم. گیسو فیلمی است که اگر آن را خوب ببینیم از ثانیه یک تمام نشانه‌ها و کدها تسبیح‌وار به هم وصل هستند، شاید به دلیل اینکه‌ای فیلم به عنوان فیلم اول من است آدم‌ها خیلی جدی به آن نمی‌پردازند تا بدانند با یک فیلم جدی روبرو هستند. از همان ثانیه صفر فیلم اگر مخاطب یک دیالوگ را از دست بدهد در ادامه مثلاً در دقیقه ۲۰ پرایش سوال پیش خواهد آمد. این یکی از ویژگی‌ها و نکات اساسی فیلم است. در فیلمسازی تلاش می‌کنم در هر لحظه از فیلم کدگذاری کنم و استفاده داشته باشم. ریتم تند و داده‌های فراوان



در فیلمسازی مشاهدات بسیار زیادی در سینمای جهان دارد و امیدوارم بتوانم این سبک را در فیلم‌های خود همیشه دنبال کنم. اما جایی از روایت و قصه انگار آب در چاله می‌افتد و یک اسپاسم و گره ایجاد می‌شود. اما ما باز هم قصه همان ریتم اولیه را در دُر زیر اما باز هم از دقیقه ۶۰ تا ۸۰ چندین خرده پیرنگ را تعریف می‌کنیم که یا به صورت تصویری یا به صورت کلامی روایت می‌شود. اما خب این فیلم اول من است و مطمئناً من در فیلم دوم خود هم این کار را خواهم کرد به نظر من این ساختار دوازده، قصه و تدوین کاملاً یک چیز جدیدی در سینمای ایران است و نمونه مشابهی ندارد.

یعنی به سینمای آوانگارد دعایقه دارید؟

نه اصلاً. من دنبال سینمایی

با مشخصات ذهنی خودم

هستم. من بر اساس تجربه

زیستی و آنچه که آموخته‌ام فیلم

می‌سازم. برای من این ریتم در

سینمای ما مساوی

است با ریتم زندگی،

علاوه بر اینکه ریتم

تند و پیچ‌پنکی

واقعی و واقعیت

زندگی است و

فقط گاهی این

گره باعث می‌شد

آب جاری در زندگی

وارد چاله شود که در

فیلم هم این اتفاق رخ

تصاویر و داستان‌ها همینجوری الکی نیست و در فیلم گیسوم وقتی این تکلنه به شخصیت وارد می‌شود ما چندین روایت و داستان را موزی با این اتفاقات مشاهده می‌کنیم. تمام این سیر فیلم که بخش عمده‌ای از آن در سفر و حرکت اتفاق می‌افتد مسیری است که طی می‌شود تا روند پخته شدن کاراکتر و روایت را پیش ببرد.

دلیل اینکه در ابتدای فیلم ریتم فیلم بسیار تند است و اتفاقات و دیالوگ‌ها خیلی با سرعت جلو می‌روند اما در میانه فیلم این ریتم کندتر و تأمل برانگیز تر می‌شود، چیست؟

به گمان من ریتم فیلم برگرفته از ریتم زندگی است. ریتم ساختاری فیلم ماو حتی ریتم کلامی آن برگرفته از یک قطعه موسیقی به نام لیبر تانگو است. اما جایی از روایت و قصه انگار آب در چاله می‌افتد و یک اسپاسم و گره ایجاد می‌شود. اما ما باز هم قصه همان ریتم اولیه را در دُر زیر اما باز هم از دقیقه ۶۰ تا ۸۰ چندین خرده پیرنگ را تعریف می‌کنیم که یا به صورت تصویری یا به صورت کلامی روایت می‌شود. اما خب این فیلم اول من است و مطمئناً من در فیلم دوم خود هم این کار را خواهم کرد به نظر من این ساختار دوازده، قصه و تدوین کاملاً یک چیز جدیدی در سینمای ایران است و نمونه مشابهی ندارد.

یعنی به سینمای آوانگارد دعایقه دارید؟

نه اصلاً. من دنبال سینمایی

با مشخصات ذهنی خودم

هستم. من بر اساس تجربه

زیستی و آنچه که آموخته‌ام فیلم

می‌سازم. برای من این ریتم در

سینمای ما مساوی

است با ریتم زندگی،

علاوه بر اینکه ریتم

تند و پیچ‌پنکی

واقعی و واقعیت

زندگی است و

فقط گاهی این

گره باعث می‌شد

آب جاری در زندگی

وارد چاله شود که در

فیلم هم این اتفاق رخ

می‌دهد اما مهم این است که شما با توانمندی عوامل و گروه بتوانید کاری کنید که کشش قصه و حوصله مخاطب سر نرود. در مورد فیلم گیسوم دمدل رویکرد وجود دارد که عده‌ای موافق هستند این اتفاق افتاده و فیلم توانسته مخاطب را با خود در سرتاسر فیلم همراه کند اما عده‌ای هم اعتقاد دارند این اتفاق نیفتاده‌است.

در سینمای ایران برخلاف سینمای جهان کارگردان‌های فیلم اولی خیلی جدی گرفته نمی‌شوند. سال‌هایی حتی در جشنواره فیلم فجر تلاش شد تا در قالب بخش نگاه نو اهمیت بیشتری به فیلمسازان فیلم اولی داده شود. شما به عنوان یک فیلمساز فیلم اولی با چه مشکلاتی برای ساخت فیلم خود مواجه بودید؟

گیسوم از نظر خودم هم در جشنواره موفق بوده است و هم با توجه به این شرایط عجیب کرونا در سینما نمایش خوبی داشته است. اما نکته اینجاست که وقتی یک آدمی در هنر گل می‌کند تازه بعد از آن می‌فهمیم که این آدم چه کارهایی قبل از این انجام داده‌است که دیده نشدنند یا کمتر به آن پرداخته شده است. من اعتقاد دارم این یک مسیر است که هنرمندی پیماید تا پیشرفت کند یا هر تجربه ترقی پیدا کند. در سینما هم به همین نحو است. ما فیلمسازانی داریم که وقتی مثلاً در اثر سوم خود گل می‌کنند سبک و ساختار فیلمسازی آن‌ها و آثار پیشین آن‌ها کشف و تکثیر می‌شود. من وقتی بعد از اتمام تحصیل به ایران آمدم با تمام سوابق درسی و فیلمسازی که داشتم، ۲ سال و نیم به من مجوز کارگردانی نمی‌دادند و من دقیقاً ۴۰۰ بار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مر ا جمعه کردم. بعد از ۲ سال و نیم که مجوز ساخت

پیش می‌آمد انقدر عشق و زندگی داشتی

که ساعت‌ها فراموش می‌کردم در کجا زندگی

می‌کنم. حرف می‌زدی، سیگار می‌کشیدی، از

بی‌خوابی‌هایت می‌گفتی، از تلاشت برای پشت

سه پایه نشستن و از ناتوانی دست‌هایت. اما در

نهایت همه را با یک جمله پس می‌زدی وقتی

می‌گفتی اما الان خیلی خوب و پُر از انرژی‌ام.

بانوی جنگجو و بی‌پروا بودی و زبانت شمشیر

بود. بی‌مهابایی زدی بر هر کس که پست و فرومایه

بود. آرزو داشتی موزه‌ای داشته باشی از آثار ت.

چقدر آزارت دادند. می‌گفتی نمی‌خواهم

باور کنم که بازی دارند و جودت سرشار از دوست

داشتن و عشق و محبت بود. به ظاهر یک نفر بودی

اما هر جا می‌رفتی لشکری بودی از وقار، متانت و

اما هر وقت که به

وداع با بانوی پرآوازه نقاشی معاصر ایران

اما ایران درودی با نقاشی‌هایش نا آرامی‌های ذهنی یک هنرمند را با تاب‌داد و همین برای یک هنرمند کافی است. جز اینکه افسوس بخوریم او در میان ما نیست اما وظیفه خودش را در قبال مردم کشور و سرزمینش انجام داده، حرف دیگری ندارم.»

دریغ که آخرین آرزویت را هم نه گفتند

طاها بهبهانی، نقش و مجسمه‌ساز نیز ضمن اشاره به این نکته که هیچ‌وقت باورش نمی‌شد ملاقاتی این چنین با بانو درودی داشته باشند، متنی را که از قبل نوشته بود، قرائت کرد: «هر وقت که به



من دقیقاً ۴۰۰ بار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه کردم. بعد از ۲ سال و نیم که مجوز ساخت اولین فیلم من آمد، معاون سازمان سینمایی گفت تا به حال آدمی ندیده بودم اینقدر پیگیری ۲ سال و نیم مدام در رفت و آمد به وزارت فرهنگ باشد. به نظر من اینها سختی‌های فیلمسازی است که هر کاری با یک شکلی اینها را دارد. در تولید فیلم اولم خوش شانس بودم که عوامل فیلم و تهیه‌کننده بسیار همراهی داشتند و توانستم به آن چیزی که فکر می‌کردم دست پیدا کنم.

درباره ترکیب بازیگران و رسیدن به این گروه بگویید. برخی از بازیگران برای حضور در فیلم‌های کارگردانان اول کمی سختگیر هستند با چه هدفی دست به انتخاب و ترکیب این بازیگران زدید؟

همه بازیگران گیسوم بعد از خواندن فیلم‌نامه تصمیم به حضور گرفتند. نزدیکی به ۲ ماه تمرین و دورخوانی انجام شد که منجر به نتیجه خوبی در میان گروه بازیگران شد. مادر سرمای ۲ شب هم فیلمبرداری داشتیم ولی با همراهی همه توانستیم پیش برویم تا کار انجام شود. در سینما خیلی مهم است که شمار در حوز‌های به صورت تخصصی بپرداز. واقعا اگر این میزان از کار حرف‌های وجود نداشت قطعاً من دست بازی برای انتخاب این همه ناماندا شتم. خیلی اتفاق خوبی بود که در ۵۰ جلسه توانستیم فیلم را تولید کنیم و پیش تولید خوبی پشت سر بگذاریم. امیدوارم فیلم‌ما بتواند حال خوبی را در این شرایط خیلی بد سینما به مردم و مخاطبان منتقل کند که هم باعث روشن ماندن چراغ سینما شود و هم اینکه تجربه خوشایندی را در سینمای من رقم بزند.

راستی و درستی.

با اینکه سه سال‌ها دور از وطن بودی اما عشق به ایران باعث شد تا برگردی و خدمت کنی. چقدر از نسل جوان تو را دوست داشتند و دارند. عشق به میهن و زندگی را به آنان آموختی.

دریغ که آخرین آرزویت را هم نه گفتند.

دریغ بانو.

می‌دانم که چقدر بخشنده بودی و همه را بخشیده‌ای. همه آن‌ها که به تو بد کردند. همانطور که همه تابلوها و همه چیزت را بخشیدی. پیکر خسته‌ات در این تابوت است ولی روح بزرگت در این گردهمایی حاضر و ناظر است و صدایت را می‌شنوم که می‌گویی طاها! امروز خیلی خوبم و پُر از انرژی هستم.»

پس از این سخنان، نماز میمیت به امامت حجت‌الاسلام محمود دعایی برگزار و پیکر ایران درودی برای خاکسپاری در قطعه هنرمندان، راهی بهشت زهرا (س) شد.

در ادامه مراسم، در ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه پیکر ایران درودی در ردیفی که پیشتر پیکر جمشید مشایخی در قطعه هنرمندان خاکسپاری شده بود، به خاک سپرده شد. مراسم یادبود این هنرمند عصر سه‌شنبه ۱۱ آبان ماه در خانه هنرمندان برگزار و به یاد و شمع‌هایی روشن شد.

یادش گرامی